

## شعر و تجربه

---

Dilthey, Wilhelm

سرشناسه: دیلتای، ویلهلم، ۱۸۳۳-۱۹۱۱ م.  
عنوان و نام پدیدآور: شعر و تجربه: نقادی هنر  
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۴.  
مشخصات ظاهری: ۵۹۸ ص.

فروست: گزیده آثار: ۵.

شابک: ۷-۱۵۶-۲۷۸-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپای مختصر

یادداشت: فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی  
است

شناسه افزوده: صانعی دره‌بیدی، منوچهر، ۱۳۲۵ -، مترجم

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۸۵۴۳۳۸

---

گزیده آثار  
جلد پنجم

ویلهم دیلتای  
شعر و تجربه  
[نقادی هنر]

ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی



این کتاب ترجمه‌ای است از:

**Poetry and Experience**

Wilhelm Dilthey

Princeton University Press, 1985



**انتشارات ققنوس**

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات ققنوس

\* \* \*

ویلهلم دیتلای

شعر و تجربه

ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی

چاپ اول

۱۳۲۰ نسخه

۱۳۹۴

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۷ - ۱۵۶ - ۲۷۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 600 - 278 - 156 - 7

[www.qoqnoos.ir](http://www.qoqnoos.ir)

Printed in Iran

۴۵۰۰۰ تومان

## فهرست

۹	مقدمه مترجم.....
۱۵	پیشگفتار بر کل مجلدات.....
۱۹	یادداشت ویراستاران بر جلد پنجم.....
۲۱	فهرست اختصارات.....
۲۵	مقدمه بر جلد پنجم.....

### بخش اول

#### فن شعر

۶۳	۱. تخیل شاعر: عناصر فن شعر (۱۸۸۷).....
	برگردان: لوئیس آگوستا و رودلف ای. مکریل
۷۵	قسمت اول: بصیرت‌های سنتی و وظایف جدید فن شعر.....
۱۰۳	قسمت دوم.....
۱۰۳	فصل اول: توصیف سرشت شاعر.....
۱۲۱	فصل دوم: کوشش برای تبیین خلاقیت شعری از دیدگاه روان‌شناسی ..
۱۷۷	فصل سوم: تأیید برآمده از گواهی خود شاعران.....
۱۸۹	قسمت سوم: صورت نوعی در شعر.....

- قسمت چهارم: چشم‌اندازهایی برای نوعی نظریه فن شعر که  
 باید از این بنیادهای روان‌شناختی استنتاج شود ..... ۱۹۵
- فصل اول: خلاقیت شعری و انطباق زیبایی‌شناختی ..... ۱۹۷
- فصل دوم: فن شاعر ..... ۲۰۸
- فصل سوم: شأن تاریخی فن شعر ..... ۲۵۵
۲. سه دوره زیبایی‌شناسی جدید و وظیفه کنونی آن (۱۸۹۲) ..... ۲۷۵  
 برگردان: مایکل نیویل
۱. سه روش قبلی زیبایی‌شناسی ..... ۲۸۲
۲. اندیشه‌هایی در باب راه‌حل وظیفه امروزی زیبایی‌شناسی ..... ۳۱۹
۳. قطعاتی برای فن شعر (۱۹۰۷-۱۹۰۸) ..... ۳۴۵  
 برگردان: رودلف ای. مکریل
- تجربه زیسته ..... ۳۴۵
- روان‌شناسی ساختاری ..... ۳۵۲

## بخش دوم

### شعر و تجربه زیسته

۴. گوته و تخیل شعری (۱۹۱۰) ..... ۳۶۱  
 برگردان: کریستوفر رودی
- زندگی ..... ۳۶۴
- تخیل شعری ..... ۳۶۶
- تخیل شعری گوته ..... ۳۷۵
- شعر و تجربه زیسته ..... ۳۸۴

شکسپیر.....	۳۸۹
روسو.....	۴۰۵
گوته.....	۴۱۲
۵. فریدریش هولدرلین (۱۹۱۰).....	۴۶۱
برگردان [به انگلیسی]: جوزف راس	
میهن و اولین کوشش‌های شعری تفننی.....	۴۶۴
هولدرلین جوان: سرودهای آرمان‌های انسانیت.....	۴۶۸
بلوغ.....	۴۹۰
داستان هوپریون.....	۵۰۹
تراژدی امیدوکلس.....	۵۳۳
شعرها.....	۵۶۱
پایان.....	۵۷۸
نمایه اشخاص.....	۵۸۵
نمایه موضوعی.....	۵۹۳





## مقدمه مترجم

کتابی که پیش رو دارید جلد پنجم از مجموعه شش جلدی گزیده آثار دیلتای است که جلد اول تا چهارم آن پیش از این به همت انتشارات ققنوس چاپ و منتشر شده و در دسترس علاقه‌مندان است. ویراستاران آثار دیلتای این مجلد را «شعر و تجربه» نامیده‌اند و محتوای آن نقد ادبی یا بهتر بگوییم نقد هنر است. خود دیلتای در نوشته‌هایی که در این مجلد گردآوری شده، آن را به تقلید از ارسطو «فن شعر» نامیده است و در واقع شعر و تجربه او جایگزین فن شعر ارسطوست. ادعای دیلتای این است که دوران فن شعر ارسطو سپری شده و چون هر زمانی نیاز به تدوین یک فن شعر خاص خود دارد، باید برای این زمان فن شعر جدیدی نوشته شود.

این کتاب شامل دو بخش یا دو پاره است. بخش اول آن شرح و بسط فنون فن شعر جدید است و بخش دوم به تحلیل آثار دو شاعر بزرگ آلمانی، گوته و هولدرلین، پرداخته که ضمن آن به آرای شکسپیر و روسو و بعضی شعرای دیگر نیز پرداخته است.

در بخش اول عنوان «تخیل شاعر» شامل چهار قسمت است. در قسمت اول ماهیت فن شعر بازمانده از ارسطو با اقتضائات فن شعر جدید در آثار نویسندگان و شاعرانی چون گوته، شیلر و برادران شلگل بررسی شده است و زمینه را برای تدوین یک فن شعر جدید فراهم می‌کند.

قسمت دوم شامل سه فصل است: در فصل اول دیلتای به ذکر سرشت و

خصلت شاعر پرداخته است. در فصل دوم ماهیت آفرینش شعری را از دیدگاه روان‌شناسی تشریح کرده است. در این جا از تفاوت تصور، احساس و اراده و تعامل آن‌ها در شکل‌گیری مفاهیم زیستی سخن می‌گوید و سپس مفاهیم زیبایی شناختی را از آن‌ها استنتاج می‌کند. در فصل سوم نمونه‌هایی از رفتار و آثار شاعران را به عنوان شاهد ادعا می‌آورد. در این مورد نمونه‌هایی از گوته و شکسپیر و بعضی شاعران دیگر آورده است.

قسمت سوم به مبحث مهم، ظریف و دشوارفهم «صورت نوعی» (کنایی = Typical) در شعر پرداخته، و احساسات شاعرانه را به عنوان بازتاب‌های تجربه‌های زیسته در ذهن شاعر ذکر کرده است.

در قسمت چهارم کوشیده است اصول فن شعر جدید را از داده‌های تجربه زیسته استنتاج کند. این قسمت شامل سه فصل است؛ در فصل اول به خلاقیت ذهن شاعر پرداخته است. در فصل دوم فنون شاعری را بررسی می‌کند. در فصل سوم به تحلیل این مطلب پرداخته که یک فن شعر کلی (جهانی) و ضروری وجود ندارد بلکه فن شعر دارای ساختار و شرایط تاریخی است. به این مطلب در فصول قبلی اجمالاً اشاره شده است. در این جا به نکته تاریخی دقیق و مهمی پرداخته که اولین بار در عصر جدید در قرن هجدهم مورد توجه ویکو و هیوم واقع شد و آن تجانس و هماهنگی عناصر فرهنگی و تاریخی است: اقتصاد، حقوق، سیاست، علم، اخلاق و... در یک دوره تاریخی مفروض با هم تناسب و تجانس دارند؛ یا با هم رشد می‌کنند، یا با هم درجا می‌زنند، یا با هم فرومی‌پاشند و این مورد اخیر مرگ آن تمدن است.

سپس در همین بخش به تشریح سه دوره زیبایی‌شناسی در عصر جدید می‌پردازد: اول این‌که الگوی زندگی متعارف و سنتی کهنه و فرسوده شده و باید آن را رها کرد. دوم این‌که شعر جدید در فکر احیای طبیعت‌گرایی دوره یونانی است. الگوی این دوره علوم آناتومی و فیزیولوژی است که اندام‌های

زنده را آن‌گونه که هست نشان می‌دهند. در این دوره چاقوی شاعران از چاقوی جراحان تیزتر است. سوم این‌که حرکت هنر به جلو بر اساس طبیعت خالق آن یعنی انسان است. سپس به شرح اصول و مبانی و موضوعات و مسائل زیبایی‌شناسی در سه قرن هفدهم، هجدهم و نوزدهم پرداخته است. در قرن هفدهم اصول زیبایی‌شناسی بر اساس قوانین عقلی و ریاضی علوم طبیعی برآمده از فلسفه لایبنیتس و در قرن هجدهم تحلیل انطباعات حسی-زیبایی و در قرن نوزدهم روش تاریخی تحلیل مفاهیم زیبایی‌شناسی مورد توجه بوده و دیلتای به تشریح آن‌ها پرداخته است.

مطالب فوق جمعاً بخش اول کتاب را تشکیل می‌دهد. نویسنده در بخش دوم به شرح آرا، تخیل و زندگی دو شاعر بزرگ آلمان، گوته و هولدرلین، پرداخته، و در خلال آن‌ها اشاره‌هایی به آرای شکسپیر و روسو و بعضی دیگر از شاعران آلمانی کرده است. «تجربه‌های زیسته» این شاعران مورد تحلیل و بررسی واقع شده است. دیلتای در ضمن این بررسی‌ها بسیاری از آرای بدیع خود را در مورد ماهیت «فن شعر جدید» آورده است.

به نظر دیلتای دانش فن شعر کلیت و ضرورتی از نوع علوم طبیعی ندارد که بتوان یک بار و برای همیشه یک دانش فن شعر کلی تدوین کرد بلکه اصول و مبانی آن متناسب با شرایط تاریخی معتبر است و برای هر دوره تاریخی باید یک فن شعر خاص تدوین کرد.

و اما صرف‌نظر از آرای دیلتای، دانش فن شعر یا نقد ادبی (و متناسب با درک دیلتای در این کتاب نقد هنر) از زمان ارسطو تا دوران معاصر موضوع بحث و تحلیل‌های گوناگون بوده است. بر اساس درک دیلتای، ادبیات و هنر شاخه‌ای از علوم انسانی است و اصول کلی آن تابع قوانین این علوم در مقابل علوم طبیعی است. اجمالاً «نقد ادبی» را می‌توان «سخن‌سنجی» و «سخن‌شناسی» نامید (زرین‌کوب، نقد ادبی، ص ۵). در شکل‌گیری «نقد ادبی» مذاهب و آرای فلسفی و دیدگاه‌های ادبی دخالت

داشته است (همان، ص ۳۷). مبدأ هنر آفرینش روح انسان است و غایت آن آزاد شدن انسان. در واقع فرایند آزاد شدن انسان، بریدن از قید و بندهاست یا آزاد شدن از قید و بندها. این وضعیت روحی در یونان در پرتو باور به تعدد خدایان فراهم شده است. «این تعدد خدایان شاید یونان را از پایبندی به عقاید جزمی تا حدی مانع می‌شد...» (زرین‌کوب، ارسطو و فن شعر، ص ۷۹). آثار هومر، ایلیاد و ادیسه، منبع بزرگ الهام‌بخش عواطف انسانی و کوشش انسان برای بقای خویش در پرتو صفات بشری است که گاهی در آن کار به جنگ با خدایان هم می‌کشد. این خاصیت آزادسازی انسان در پرتو صفات برجسته خود او البته در شاهنامه فردوسی بسیار قوی‌تر است. اگر آثار هنری کلید رهایی انسان باشد شاهنامه در رأس آنهاست.

آنچه ما امروز «هنر»<sup>۱</sup> می‌نامیم در سنت ارسطویی سومین بخش حکمت است به نام حکمت تولیدی<sup>۲</sup> در مقابل دو بخش دیگر به نام حکمت نظری و عملی. حکمت تولیدی از اصل واژه «پویسیس» یونانی است که حکمت شعری هم ترجمه شده است و تسمیه آن به «شعر» به دلیل تولید و آفرینش است، زیرا شاعر خالق و آفریدگار اثر هنری است. اقسام شعر در سنت یونانی سه قسم نمایشی، حماسی و غنایی (تغزلی) بوده است. شعر نمایشی شامل سه قسم درام، تراژدی و کمدی است: درام نمایش‌کنش‌های قهرمانانه است؛ تراژدی بیان احوال اندوهبار است؛ و کمدی بیان احوال به زبان مضحک (همان، ص ۸۹).

به نظر زرین‌کوب، انواع شعر حماسی، غنایی (تغزلی) و تمثیلی (دراماتیک) متناسب با شرایط اجتماعی شکل و رونق گرفته است: پس از مرحله بدویت دوران ملوک‌الطوایفی پدید آمده و شعر متناسب آن دوره، شعر حماسی است. سپس شعر غنایی (تغزلی) در حدود قرن هشتم پیش از میلاد به وجود آمده و بعد از آن شعر تمثیلی (دراماتیک) شکل گرفته است

(زرین کوب، نقد ادبی، ص ۲۷۶). شعر تمثیلی (دراماتیک) به تراژدی و کمدی تقسیم می شود. سوفوکلس و آشیل و اورپیدس بزرگترین تراژدی نویسان یونان اند و آریستوفانس از کمدی نویسان بزرگ است (همان). ارسطو به شعر غنایی (تغزلی) نپرداخته و از سه نوع شعر حماسی، تراژدی و کمدی سخن گفته است (ارسطو، ص ۱۱۳).

فن شعر ارسطو کوششی است برای کشف و درک اصول زیبایی؛ و منبع زیبایی در نظر ارسطو هنر (مبدأ تولید = *techne*) است. ماهیت زیبایی یا عنصر شیء زیبا نظم، هماهنگی، تناسب و اندازه است (زرین کوب، ارسطو و فن شعر، ص ۱۰۴). در نظر ارسطو، ماهیت هنر تقلید از امر زیباست و «انسان معارف اولیه خود را از همین طریق تقلید به دست می آورد» (ارسطو، ص ۱۱۱). به باور ارسطو، شاعران فرومایه اعمال دون صفتان را تقلید می کنند و شاعران دارای طبع بلند به سرودهای دینی و ستایش می پردازند (همان، ص ۱۱۸). کمدی تقلید از اخلاق زشت و ناپسند است، یعنی تقلید از اعمال شرم آوری که موجب استهزا می شود (همان، ص ۱۲۰). تراژدی تقلید از کار شگرف است و ترس و شفقت را برمی انگیزد (همان، ص ۱۲۱). کار تراژدی القای عواطفی چون ترس و شفقت است و از این طریق تزکیه روح از این عواطف ممکن می شود (زرین کوب، ارسطو و فن شعر، ص ۱۰۵).

شعر را به تقلید از ارسطو دارای ماده و صورت دانسته اند: ماده شعر معنی و مضمونی است که اساس آن را تشکیل می دهد؛ و صورت، وزن و آهنگی است که آن را از صورت دیگر سخن یعنی نثر متمایز می کند (زرین کوب، نقد ادبی، ص ۵۰). معنی و مضمونی که ماده شعر را تشکیل می دهد کار قوه تخیل است و تخیل شعری دارای انگیزه و محرکی است به نام «جذبه». در مورد ماهیت این حالت گفته اند جذبه عبارت است از فروپاشی آگاهی انسان به نحوی که او خود را زیر نفوذ محرک عالی تری احساس کند و این حالت موجب بهجت و سرور در وجود او می شود (همان، ص ۵۲). حصول جذبه

موجب بروز حالت دیگری می‌شود به نام «الهام» که خود نوعی از آگاهی است که برآمده از مقدمات علمی نیست. به عبارت دیگر، الهام حالتی از نفس است که ضمن آن، ذهن هنرمند مقاصد و غایات و وسایل و اسباب را یکجا با هم درک می‌کند. به عبارت دیگر، الهام عبارت است از ظهور بخشی از ناخودآگاه در خودآگاه ذهن (لایب‌نیتس کل آگاهی انسان را مشمول چنین فرایندی می‌دانست) (همان، ص ۵۵).

ارسطو شعر را با تاریخ مقایسه کرده و می‌گوید: «تفاوت آن دو در این است که یکی از آن‌ها سخن از آن‌گونه حوادث می‌گوید که در واقع روی داده است و آن دیگر سخنش در مورد وقایعی است که ممکن است روی دهد. پس شعر فلسفی‌تر از تاریخ است و مقامش بالاتر از آن است» (ارسطو، ص ۱۲۸).

منوچهر صانعی درّه‌بیدی

تهران

۱۳۹۳/۲/۱۵

### منابع مقدمه

۱. زرین‌کوب، عبدالحسین، نقد ادبی، جلد اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۴.
۲. زرین‌کوب، عبدالحسین، ارسطو و فن شعر، تهران، امیرکبیر، چاپ هفتم، ۱۳۹۲.
۳. ارسطو، فن شعر، ترجمه عبدالحسین زرین‌کوب، تهران، امیرکبیر، چاپ هفتم، ۱۳۹۲ (مندرج در کتاب ارسطو و فن شعر).

## پیشگفتار بر کل مجلدات

این ترجمه شش جلدی از نوشته‌های اصلی دیلتای (۱۸۳۳ - ۱۹۱۱) برای رفع نیازی دیرپای انجام گرفته است. این اقدام متون کاملی را که سرتاسر گستره فلسفه دیلتای را نشان می‌دهند در اختیار خوانندگان انگلیسی زبان می‌گذارد. این چاپ چندجلدی از این راه پایه و سیعی نه فقط برای تحقیق در تاریخ و نظریه علوم انسانی، بلکه همچنین برای تحقیق در زمینه درک فلسفی دیلتای از تاریخ، زندگی و جهان‌بینی‌ها فراهم می‌آورد. نوشته‌های اصلی او در روان‌شناسی، زیبایی‌شناسی، اخلاق و تعلیم و تربیت در کنار بعضی رساله‌های تاریخی و نقدهای ادبی او در این مجلدات مندرج است.

در حالی که زبان اسپانیایی، که زودتر از این و عمیقاً تحت تأثیر ارتگای گاست<sup>۱</sup> دیلتای را پذیرا شده و از ۱۹۴۴ - ۱۹۴۵ ترجمه‌ای هشت جلدی از نوشته‌های او فراهم آورده است، زبان انگلیسی با تأخیر بیشتر به دیلتای روی آورده است. کوشش‌های ایچ. ای. هاجز<sup>۲</sup> برای آشنا کردن خوانندگان انگلیسی زبان با دیلتای تنها موفقیت محدودی داشت. ایچ. پی. ریکمن<sup>۳</sup> بخش‌هایی از نوشته‌های دیلتای را ترجمه کرده است و در مقدمه‌های خود کوشیده است بدگمانی نسبت به فلسفه قاره اروپا را، که مشخصه اولین مراحل جنبش فلسفه تحلیلی بود، برطرف کند. در حالی که چند اثر منفرد از

---

1. Ortega y Gasset    2. H. A. Hodges    3. H. P. Rickman

دیلتهای قبلاً ترجمه شده است، چاپ مجموعه منظمی از آثار او به شکل منسجم‌تری تعبیرات و اصطلاحات و مفاهیم مهم او را ارائه خواهد کرد. علاقه روزافزون به تفکر قاره اروپا (هوسرل، هیدگر، سارتر، هرمنوتیک، ساختارگرایی و نظریه انتقادی) فضایی به وجود آورده است که در آن فلسفه دیلتهای، که هنوز آن‌طور که باید و شاید شناخته نشده است، می‌تواند جذب شود. همچنان که نظریه‌های متعلق به پدیدارشناسی و هرمنوتیک در مسائل پیچیده‌تر و مبهم‌تری به کار می‌رود، به همین نسبت روشن‌تر می‌شود که ریشه‌های قرن نوزدهمی این نظریه‌های فلسفی باید دوباره بررسی شود. این مسئله بخصوص در مورد مباحث راجع به نظریه علوم روحانی<sup>۱</sup> بیشتر صدق می‌کند. این نظریه که صورت‌بندی متعارف آن را دیلتهای ارائه کرد در زبان انگلیسی به عنوان «مطالعات انسانی»<sup>۲</sup> شناخته شده است تا از آرمان تحصیلی «علم واحد»<sup>۳</sup> متمایز باشد. اکنون عنوان روشن‌تر «علوم انسانی»<sup>۴</sup> اختیار شده است. اما به قیمت غرق شدن در نوعی هرمنوتیک کلی و فلسفه علم دوران بعد از کوهن.<sup>۵</sup> با فرض این وضعیت جدید، تفاوت بین علوم طبیعی و علوم انسانی باید دوباره مورد توجه واقع گردد. اگر تفسیر و دوره مربوط به آن از لوازم ذاتی علوم انسانی و علوم طبیعی هر دو باشد، آن‌گاه باید تعیین کرد که چه نوع تفسیری از لوازم هر کدام است و در چه سطحی.

ترجمه آثار نظری اصلی دیلتهای در مورد علوم انسانی نشان خواهد داد که موضع کلی او انعطاف‌پذیرتر از آن است که شناخته شده است. مثلاً تمایزی که بین فهم (verstehen) و تبیین نهاده است به این منظور نبود که تبیین را از علوم انسانی طرد کند بلکه او فقط می‌خواست حوزه آن را محدود کند. علاوه بر این، اهمیت تأمل در باره روش در علوم انسانی باید روشن‌تر می‌شد تا به کمک آن بتوان دریافت‌های نادرست پایدار از فهم به عنوان همدردی یا، بدتر از آن، به

1. Geisteswissenschaften    2. human studies    3. unified science

4. human sciences    5. Kuhn



عنوان نوعی عقل‌گریزی را برطرف کرد. اصطلاح آلمانی Geisteswissenschaften دربرگیرنده علوم انسانی و علوم اجتماعی هر دو است، و نظریه و آثار دیلتای هیچ ثنویت عقیم و عبثی را که ریشه در تقابل فرضی بین هنرها و علوم دارد برنمی‌تابد.

محدودیت‌های انتشار یک دوره شش‌جلدی از آثار دیلتای اجازه شمول آن را بر بعضی از آثار مهم او به ما نداد: رساله‌های تاریخی کامل او از قبیل زندگی شلاپرماخر، رساله‌های بزرگی از جهان‌بینی و تحلیل انسان از روزگار رسانس و اصلاح دین، و تاریخ جوانی هگل. اطمینان داریم که این مجلدات [شش‌گانه] به آن اندازه سبب‌ساز علاقه به اندیشه دیلتای خواهد شد که ترجمه دوباره این آثار و دیگر آثار او را در آینده، توجیه کند. [در ادامه نام سازمان‌ها و افرادی که در این ترجمه همکاری داشته‌اند آمده است.]

ترجمه نوشته‌های دیلتای دشوار است. برای این که ترجمه‌ها [ی افراد متفاوت] تا حد ممکن منسجم و هماهنگ باشد، ویراستاران واژه‌نامه جامعی برای مترجمان فراهم آوردند. برای تضمین کیفیت، ترجمه‌ها به دقت ویرایش شده‌اند. ابتدا کمک‌ویراستار مسائل حل‌نشده ترجمه‌ها را به کمک واژه‌نامه به دقت بررسی کرده است و اطلاعات لازم را برای ارجاعات مربوط به شرح حال افراد فراهم آورده است. سپس ما هر متنی را مرور کرده‌ایم و هر جا که لازم بوده است تجدیدنظر کرده‌ایم: (۱) برای اطمینان از این که اشارات و معانی تعبیرات و اصطلاحات آلمانی به درستی حفظ شده است و (۲) برای آن‌که نثر پیچیده و پر از تعقید دیلتای برای خوانندگان انگلیسی‌زبان امروز قابل فهم گردد. [و باز هم نام برخی از کسانی آمده است که کمک‌های آن‌ها در این ترجمه مؤثر بوده است.]

رودلف ای. مکریل

فریتهوف رُدی



## یادداشت ویراستاران بر جلد پنجم

در پیشگفتار شیوه‌های کلی کار خود را در بازبینی ترجمه‌ها برای چاپ توضیح دادیم. انسجام و هماهنگی اصطلاحات در سرتاسر کار مورد توجه ما بوده است. اما وقتی دیلتای اصطلاحات را به روش غیرفنی به کار می‌برد، جایز دانسته‌ایم که بهترین معادل انگلیسی برحسب سیاق مطلب به کار رود. بنابراین، در حالی که به طور معمول واژه «Erlebnis» را به «تجربه زیسته» ترجمه می‌کنیم، وقتی دیلتای این تعبیر را با صفات دیگری از قبیل «شخصی» به کار می‌برد، ترجیح می‌دهیم واژه «زیسته» را حذف کنیم تا از به کار بردن تعبیرات نامناسب و ناخوشایند پرهیز کرده باشیم. یادداشت‌هایی کوتاه در مورد بعضی از مهم‌ترین تصمیم‌هایی که درباره برخی اصطلاحات گرفته‌ایم، وقتی چنین اصطلاحاتی اولین بار به کار رفته است، اضافه کرده‌ایم.

واژه‌ها و عباراتی که ویراستاران مجموعه مصنفات<sup>۱</sup> دیلتای [به آلمانی] افزوده‌اند در < > نهاده شده است و آنچه به دست ویراستاران گزیده آثار<sup>۲</sup> اضافه شده است در [] قرار گرفته است.

عنوان کتاب‌ها و آثار، اگر قبلاً به انگلیسی ترجمه نشده باشند، به همان شکل آلمانی (داخل پرانتز به انگلیسی) آمده است. در غیر این صورت، فقط عنوان انگلیسی به کار رفته است. آن‌جا که دیلتای از شخصیت‌ها و آثاری نام برده که

---

1. *Gesammelte Schriften*      2. *Selected Works*

امروز دیگر چندان شناخته نیستند حواشی کوتاهی در توضیح آن‌ها نوشته‌ایم. اما چون این‌ها تکرار نشده‌اند، برای آگاهی از این‌که اولین بار این نام‌ها در کجا ذکر شده‌اند باید به نمایه رجوع کرد.

کوشیده‌ایم مأخذ بسیاری از قطعاتی را که ديلتای بدون ذکر منبع نقل کرده است مشخص کنیم. این کار بخصوص در بعضی موارد بسیار دشوار بوده است. بعضی قطعات را حتی با مشورت کارشناسان نتوانسته‌ایم مشخص کنیم.

چون تعداد یادداشت‌های ویراستاران از یادداشت‌های خود ديلتای بسیار بیشتر است، مورد اول را بدون ذکر نشانه [در ترجمه فارسی با عنوان «ویراستاران»] و مورد دوم را با حرف D [در ترجمه فارسی با عنوان «مصنف»] مشخص کرده‌ایم. [در ادامه چند سطر در ذکر نام همکاران و سپاسگزاری آمده است.]

## فهرست اختصارات

- CE* *Conversations of Goethe with Eckermann*, trans. by John Oxenford.
- ED* Dilthey, *Das Erlebnis und die Dichtung*.
- F* Goethe, *Faust*, trans. by Walter Kaufman.
- GCE* *Goethe: Conversations and Encounters*, ed. and trans. by David Luke and Robert Pick.
- GS* Dilthey, *Gesammelte Schriften*.
- GSA* Hölderlin, *Sämtliche Werke*, Grosse Stuttgarter Ausgabe.
- GSM* Ludwig Lewisohn, *Goethe: The Story of a Man*.
- H* Hölderlin, *Hyperion: Or the Hermit of Greece*, trans. by Willard R. Trask.
- HPF* Hölderlin, *Poems and Fragments*, trans. by Michael Hamburger.
- SW* Dilthey, *Selected Works*.
- TF.* *The Autobiography of Goethe, Truth and Fiction: Relating to My Life*, trans. by John Oxenford.
- WA* *Goethes Werke*, Weimarer Ausgabe.



## شعر و تجربه





## مقدمه بر جلد پنجم

در این مجلد آن مقالاتی از دیلتای را گزینش کرده‌ایم که حاوی مهم‌ترین مشارکت‌های او در فهم فلسفی شعر و نقد ادبی است. مقاله «سه دوره زیبایی‌شناسی جدید و وظیفه آن در عصر حاضر» را، که به زیبایی‌شناسی به عمومی‌ترین معنی آن می‌پردازد، نیز آورده‌ایم.

اگرچه دیلتای فیلسوفی حرفه‌ای بود، نزدیکی خاصی به شاعران و فیلسوف‌شاعرها از قبیل گوته، شیلر و هولدرلین حس می‌کرد. دیلتای مدعی است که از زمان رنسانس، وقتی هنرهای بصری هنوز مستعد آن بود که جهان‌بینی اعصار را تجسم بخشند، تصور ما از واقعیت چنان پیچیده شده است که فقط ادبیات هنوز می‌تواند آن را بیان کند. در حالی که موسیقی محدود است به توالی اصوات (نُها) در زمان و هنرهای بصری محدود به چیزی است که می‌تواند در یک چهارچوب آنی بگنجد، وساطت واژه‌ها می‌تواند تخیل ما را در آن واحد در جهات مختلف هدایت کند.

همه هنرها تجربه‌های ما را تقویت می‌کنند اما موفقیت شعر در این مورد به حدی بیشتر است که می‌توان هر تقویت تجربه ما را «تأثیر شعری» نامید خواه از طریق شعر به دست آمده باشد یا نه. به نظر دیلتای این تأثیر شعری به ما امکان می‌دهد فرایند طبیعی تفکر در معنی وجود خود را استمرار دهیم – فرایندی که بخشی از خود زندگی است. شعر زندگی را به طریقی غیرعلمی

تقویت می‌کند و به زندگی امکان می‌دهد که خود را، به تعبیری، شرح دهد. از این قرار، این زندگی از دیدگاه شعری پرورش‌یافته را فلسفه مطابق روش‌های علوم انسانی به لحاظ مفهومی فصل‌بندی می‌کند.

دیلتای توانست این رابطهٔ تنگاتنگ بین شعر و فلسفه را بخصوص برای فرهنگ آلمانی در آغاز قرن نوزدهم خوب ترسیم کند. چنان‌که وی در مقالات متعددی نشان داده است، ادبیات عظیم آن زمان که با لسینگ و گوته و شیلر آغاز شده بود و با دورهٔ رمانتیک استمرار یافت از تحولات فلسفی عظیم اصالت معنای کانتی به واسطهٔ فیخته و شلینگ و هگل و شوپنهاور قابل تفکیک نیست. دیلتای ابتدا این پس‌زمینهٔ متقابل را در شرح حال شلایرماخر، که [نگارش آن را] وقتی هنوز دانشجوی الهیات بود شروع کرده بود، ترسیم کرد. دیلتای کوشید نسبت شلایرماخر به شخصیت‌های ادبی رمانتیک معاصر را دریابد و همین وظیفهٔ تاریخی است که رویکرد مبتنی بر تاریخ روحی<sup>۱</sup> او به ادبیات را به او الهام کرد. این رویکرد به تدریج کامل‌ترین صورت خود را در چهار رسالهٔ ادبی تجربهٔ زیسته و شعر بنا کرد که دو تا از آن‌ها، در مورد گوته و هولدرلین، در این مجلد ترجمه شده است. حالت تاریخ روحی مطالعهٔ ادبیات در اصطلاح دیلتای که در اوایل قرن بیستم بسیار تأثیرگذار شد ترکیبی است از تحلیل آثار بزرگ یک مصنف با فهم رشد فکری او و سایر جنبش‌های فرهنگی مربوط در زمان او.

یکی از دلایل موفقیت دیلتای در مقام مورخ عبارت بود از توانایی او برای این‌که رمانتیک‌گرایی شلایرماخر و نسل او را در دسترس نسل بعدی، که به نزد آن‌ها علائق سیاسی و علمی اصولاً متفاوتی برجسته شده بود، قرار داد. دیلتای توانست به بصیرت‌های این شاعران رمانتیک و فیلسوفان ایدئالیست معنا ببخشد بدون این‌که با مفروضات نظری و ادعاهای نظام‌یافتهٔ آن‌ها موافق باشد. وی همچنین توانست آن حساسیت به متون تاریخی را که مکتب

تاریخی همان دورهٔ اولیهٔ پرورنده بود، احیا کند. اما دیلتای نمی‌کوشید اندیشه‌های بزرگ یک دورهٔ فرهنگی قبلی را صرفاً احیا کند، زیرا این اندیشه‌ها به عنوان آثار باقیمانده‌ای نیز به کار می‌رفتند که رویکرد تحصیلی معاصر به علوم انسانی، کل واقعیت زندگی [و این اندیشه‌ها] را «ابتر می‌کند». جواب به دیدگاه تحصیلی بازگشت به ایدئالیسم یا اصالت تاریخ (تاریخ‌گرایی) نیست بلکه این جواب در پروراندن مفهوم کامل‌تری از تجربه قرار دارد که حق غنای آن را ادا و محتوای فکری آن را با نیروی مؤثر و ارادی خود تکمیل خواهد کرد. رمز چنین نظریهٔ اصلاح‌شده‌ای در مورد تجربه، در تجربهٔ شاعران قرار دارد اما صورت‌بندی این نظریه نیازمند تفکر فلسفی است. در سطور بعدی که مقالات منفرد این مجلد مورد بحث مشروح‌تر قرار خواهد گرفت، مرتباً به موضوع تحول این معنی تجربه به عنوان «تجربهٔ زیسته»<sup>۱</sup> خواهیم پرداخت.

## فن شعر<sup>۲</sup>

مقالهٔ دیلتای با عنوان «تخیل شاعر» که معمولاً به مثابهٔ فن شعر او مورد ارجاع واقع شده است، مهم‌ترین اثر او در زیبایی‌شناسی به حساب می‌آید. این مقاله نه فقط مشارکت‌های اصلی تاریخی را در تفسیر آثار ادبی می‌آزماید، بلکه کامل‌ترین دریافت خود دیلتای را از اهمیت شعر نیز بیان می‌کند. تحلیل دیلتای از جایگاه فن و صورت در ادبیات، آگاهی فوق‌العاده دقیقی از شرایط متعددی به دست می‌دهد که با اثر هنری برخورد می‌کند و سبک و سیاق هنر را نه انتزاعی آرمانی بلکه برداشتی انضمامی از واقعیت نشان می‌دهد. این مقاله که در سال ۱۸۸۷ منتشر شد، و آن هنگامی است که دیلتای هنوز بر این باور بود که ممکن است قوانین تبیین‌کنندهٔ خاصی را برای علوم انسانی

پروراند، سه قانون از دیدگاه روان‌شناسی در مورد استعاره در کوششی برای توضیح قدرت خلاق ویژه تخیل شاعر ارائه می‌کند.<sup>۱</sup>

عمومی‌ترین اهمیت نظری فن شعر را در کل اثر دیلتای می‌توان در سه نکته زیر خلاصه کرد:

۱. فن شعر الگوی تحلیلی‌ای فراهم می‌آورد که دستاوردهایش محتوای منظم و انسجام‌یافته‌ای برای سایر علوم انسانی خواهد داشت. آثار ادبی مانند کارهای علمی را سنت‌های جاافتاده و انسجام‌یافته حفظ می‌کنند. این سنت‌ها این امکان را برای اثری (علمی یا هنری) که آثار دیگر را تحت تأثیر قرار داده است فراهم می‌کنند که بتواند در کنار آن‌ها به موجودیت خود ادامه دهد. اما سنت ادبی فایده دیگری هم دارد. شاعران گزارش‌های مشروحی از خلاقیت‌های خود برای ما باقی گذاشته‌اند در حالی که دانش‌پیشگان<sup>۲</sup> که در درجه اول دل‌نگران نتایج کارشان هستند به‌ندرت اکتشافات و اختراعات خود را گزارش می‌کنند. همه این‌ها دیلتای را بر آن داشته است که می‌تواند از فن شاعری برای آزمودن تأثیراتی که در عالم انسانی بر جای نهاده می‌شود و چگونگی آشکار شدن انگیزه‌های خلاق در جهان تاریخی تعیین‌یافتگی‌های بشری استفاده کند. دیلتای می‌نویسد: «برداشت فلسفی ما از تاریخ از دل تاریخ ادبیات رشد کرده است. شاید فن شعر برای مطالعه منظم تعبیرات تاریخی زندگی اهمیت مشابهی داشته باشد» (بنگرید به ص ۷۳).

۲. کوشش دیلتای برای فهمیدن خلاقیت شاعر، فن شعر را بدل به اولین

---

۱. این قانون‌های استعاره‌های تخیلی در اثر فریتهوف رُدی با مشخصات زیر مشروحاً مورد بحث واقع شده است:

Frithjof Rodi, *Morphologie und Hermeneutik: Zur Methode von Diltheys Aesthetik* (Stuttgart: Kohlhammer, 1969)

و نیز در اثر رودلف مکریل با این مشخصات

Rudolf Makkreel, *Dilthey, Philosopher of the Human Studies* (Princeton: Princeton University Press, 1975). — ویراستاران.

2. scientist

گزارش همه‌جانبه از برداشت او از روان‌شناسی به عنوان یکی از علوم انسانی می‌سازد. اما بالاتر از این، شاید این رساله روشن‌تر از هر نوشتار دیگری نشان می‌دهد که دیلتای رابطه‌ی روان‌شناسی و تاریخ را چگونه تصور می‌کرده است. فن شعر در حد وسط بین علوم انسانی تاریخی از یک طرف و علوم انسانی منظم‌تر از طرف دیگر قرار دارد. با وصف این، برخلاف بسیاری از علوم انسانی منظم از قبیل جامعه‌شناسی و علوم سیاسی که اقتصاد و نهادهای اجتماعی در آن‌ها تأثیر مستقیمی بر رویدادها و تعیین‌یافتگی‌های تاریخ دارند، در هنر و ادبیات این تأثیرها همواره به واسطه‌ی روح یک ذهن خلاق فردی مسدود شده است. در این جا بیشتر از هر حوزه‌ی دیگری می‌توان مطالعه و دریافت کرد که افراد چگونه به مرزهای زمینه‌ی تاریخی خود می‌رسند و چگونه حتی بعضی افراد می‌توانند دوره‌ی تاریخی خود را به صورت نوع یا گونه‌ای خاص درآورند.

۳. تا آن‌جا که می‌توان به معنایی از مشارکت‌های تاریخی و نفسانی مورد نظر در کار هنر دست یافت، دیلتای می‌کوشد آنچه را به طور غیرمعمول برای زیبایی‌شناسی معتبر است و آنچه را به لحاظ تاریخی مشروط و نسبی است تعریف کند. اغلب به نظر می‌رسد که دیلتای به نسبت تاریخی معتقد است اما واضح است که وی باور داشت که می‌شود نشانه‌های زیبایی‌شناختی کاملاً معتبری را مشخص کرد که به ما حق می‌دهند بعضی آثار هنری را آثاری متعارف (کلاسیک) ارزیابی کنیم. اثر هنری هنگامی متعارف محسوب می‌شود که به‌رغم شأن تاریخی اجتناب‌ناپذیر فنون آن، حتی امروز هم بتواند ما را به حرکت درآورد. دست یافتن ما به محتوای هنر بزرگی که می‌تواند با همه‌انسان‌ها سخن بگوید از طریق آن نوع روان‌شناسی ممکن است که اولین بار در این رساله تدوین شد و هفت سال بعد در رساله‌ی «اندیشه‌هایی در مورد روان‌شناسی توصیفی و تحلیلی» دوباره تعریف شد.<sup>۱</sup>

---

1. Dilthey, *Selected Works* (hereafter *SW*), 6 vols. (Princeton: Princeton University Press, 1985—), vol. 2.—ویراستاران—.

یکی از طرفی که در آن جستجوی دیلتای در پی خصایص زیبایی شناختی کلاً معتبر آشکار می‌شود، در تحلیل او از شش سپهر اصلی احساس نهفته است که با واکنش ما نسبت به اثر ادبی مرتبط است (بنگرید به صص ۱۳۴-۱۴۸). این سپهرهای شش‌گانه ردیف یا سلسله‌ای از دریافت‌های صرفاً احساسی تا احساس‌های صوری برآمده از نسبت‌های آهنگین صداها تا احساس‌های برآمده از جنبه‌های گوناگون محتوای معنایی شعر را در بر می‌گیرد. دیلتای پیش از آن‌که توضیح دهد این احساس‌ها چگونه تولید می‌شوند، آن‌ها را توصیف و تحلیل می‌کند. وی پیش از طرح فرضیاتی در مورد این‌که چرا تکرار آهنگ (ریتم) به عنوان امر لذتبخش تجربه می‌شود، بر اهمیت توصیف‌های کامل واکنش‌های نفسانی معمولی به سطوح مختلف اثری که می‌تواند در قوانین زیبایی شناختی مقدماتی نشانه‌گذاری شود، اصرار می‌ورزد. یکی از نتایجی که دیلتای از تحلیل توصیفی خود از سپهرهای احساس برآورده این است که لذت را نمی‌توان به عنوان تعیین‌کننده مشترک این احساس‌ها به حساب آورد. این مفهوم سودجویانه که انطباق شعری باید برای افزایش لذت ما طراحی شده باشد به طور ویژه مورد نقادی واقع شده است (بنگرید به ص ۲۰۱). ما فقط موجودات عاقلی نیستیم که پیوسته در فکر محاسبه و سایل جلب لذت و دفع درد باشیم. مشاهده تجربه روزانه نشان می‌دهد که ما می‌کشیم انگیزه‌هایی را ارضا کنیم که به هیچ وجه مولد لذت نیستند بلکه برعکس موجب اندوه و محرومیت‌اند. انگیزه قاطع و حتی غیرعقلانی ما این نیست که لذت‌مان را بیشینه سازیم بلکه این است که احساس زندگی‌مان را تقویت کنیم. آنچه از شعر انتظار داریم عبارت است از «انگیزه قوی حتی آمیخته با دردهای شدید» (بنگرید به ص ۲۰۲). غایت شعر این است که قلمرو تجربه زیسته ما را گسترش دهد.

گرچه آن درد شدید که هنگام مشاهده تراژدی تجربه می‌شود باید تسکین یابد به نحوی که ناظر در نهایت در حالت تعادل و آرامش قرار گیرد، آنچه